



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى

موضوع:

مقدمات؛ حجت؛ خلیفه‌ی خداوند؛ ضرورت و صفات خلیفه‌ی خداوند

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: رضا

تاریخ: ۱۳۹۷/۱/۱۸

چطور اثبات می‌شود که در هر زمان یک امام وجود دارد؟ در حالی که در هر زمان چند پیامبر وجود داشته است مانند زکریا و عیسی و یحیی یا یعقوب و یوسف یا ابراهیم و لوط یا ... که در یک زمان پیامبر بوده‌اند. آیا «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» که در قرآن آمده است، اشاره به این ندارد که هر قومی هدایتگری دارد، پس ممکن است اقوام مختلف در یک زمان هر کدام یک هدایتگر داشته باشند؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۷/۲/۱

«امام»، حاکم مسلمانان از جانب خداوند است و خداوند برای مسلمانان در یک زمان دو حاکم قرار نمی‌دهد؛ چراکه این کار عقلایی نیست و ضرورتی ندارد، در حالی که «پیامبر» از آن حیث که پیامبر است، حاکم مسلمانان نیست، بلکه تنها مبلغ احکام خداوند به آنان است؛ چنانکه فرموده است: «مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ»^۱؛ «بر عهده‌ی پیامبر جز ابلاغ نیست» و با این وصف، وجود دو پیامبر در یک زمان اشکالی ندارد، هرگاه تنها یکی از آن دو امام باشد و دیگری از او تبعیت کند؛ مانند لوط علیه السلام که تابع ابراهیم علیه السلام بود؛ چنانکه خداوند فرموده است: «فَأَمَّنْ لَهُ لُوطٌ»^۲؛ «پس لوط به او گروید» و مانند یوسف علیه السلام که تابع پدرش یعقوب علیه السلام بود؛ چنانکه برای تأویل خواب خود به او مراجعه کرد و او وی را از حکایت آن برای برادرانش نهی نمود^۳ و مانند هارون علیه السلام که تابع موسی علیه السلام بود؛ چنانکه خداوند فرموده است: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا»^۴؛

۱. المائدة/ ۹۹

۲. العنکبوت/ ۲۶

۳. بنگرید به: یوسف/ ۴ و ۵.

۴. الفرقان/ ۳۵

«و هرآینه به موسی کتاب دادیم و با او برادرش هارون را وزیر قرار دادیم» و مانند یحیی علیه السلام که تابع عیسی علیه السلام بود؛ چنانکه خداوند او را «مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِّنَ اللَّهِ»؛ «تصدیق کننده ای برای کلمه ی خداوند» دانسته است و مانند سلیمان علیه السلام که تابع داوود علیه السلام بود؛ چنانکه خداوند فرموده است: «وَوَرِّثْ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ»؛ «و سلیمان از داوود ارث برد».

بنابراین، وجود دو خلیفه برای خداوند در یک زمان ممکن نیست، مگر اینکه یکی از آن دو تابع دیگری باشد و به مثابه ی نماینده ی او عمل کند؛ چنانکه علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در این باره فرموده است:

«در هر زمان تنها یک خلیفه می تواند وجود داشته باشد و وجود دو خلیفه در یک زمان، جز در صورت تبعیت یکی از دیگری، غیر ضروری، بلکه موجب اختلال نظام و بر خلاف حکمت و سیرت عاقلان است».^۱

خصوصاً با توجه به اینکه دو خلیفه به اقتضای دوگانگی شان بر یکدیگر تفاضل دارند؛ چنانکه خداوند فرموده است: «وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ»؛ «و هرآینه برخی پیامبران را بر برخی دیگر فضیلت داده ایم»، در حالی که تبعیت مفضول از فاضل واجب است و تبعیت از مفضول با وجود فاضل قباح دارد؛ چنانکه خداوند فرموده است: «وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ»؛ «از بهترین چیزی که از جانب پروردگارتان برایتان نازل شد تبعیت کنید» و فرموده است: «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ»؛ «آیا کسی که به سوی حق هدایت می کند سزاوارتر است که تبعیت شود یا کسی که هدایت نمی یابد مگر اینکه هدایت شود؟! پس شما را چه می شود چگونه قضاوت می کنید؟!» با این وصف، ممکن است که در هر قریه ای یک بییم دهنده وجود داشته باشد؛ چنانکه خداوند فرموده است: «وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا»؛ «و اگر می خواستیم در هر قریه ای بییم دهنده ای بر می انگیزیم»، بل ممکن است که در هر قریه ای چند بییم دهنده وجود داشته باشند؛ چنانکه خداوند فرموده است: «وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ»؛ «و هیچ قریه ای را هلاک نکردیم مگر اینکه برای آن بییم دهندگانی وجود داشتند»، در صورتی که مرادش از قریه، «امت» یا «دوره» نباشد؛

۱. آل عمران / ۳۹

۲. التمل / ۱۶

۳. بازگشت به اسلام، ص ۲۲۵

۴. الإسراء / ۵۵

۵. الزمر / ۵۵

۶. یونس / ۳۵

۷. الفرقان / ۵۱

۸. الشعراء / ۲۰۸

با توجه به اینکه فرموده است: «وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ»^۱؛ «و هیچ امتی نبود مگر اینکه در آن بیم دهنده ای گذشت» و فرموده است: «وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَاثًا وَرِثِيًّا»^۲؛ «و چه بسیار دوره ای که پیش از آنان هلاک کردیم، در حالی که ابزارها و دارایی های بهتری داشتند»، یا مرادش آمدن چند بیم دهنده به نزد آن یکی پس از دیگری نباشد؛ با توجه به اینکه فرموده است: «ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَىٰ كُلًّا مَّا جَاءَ أُمَّةً رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ»^۳؛ «سپس پیامبرانمان را یکی پس از دیگری فرستادیم، هر بار که پیامبری به نزد امتش آمد او را تکذیب کردند، پس برخی را به برخی دیگر ملحق کردیم و آنان را به داستان ها مبدل نمودیم»، ولی در صورتی که مرادش از آن زمان و مکانی واحد باشد، ممکن نیست که هر یک از بیم دهندگان در آن، مستقلاً بیم دهند و کاری به کار سایر بیم دهندگان نداشته باشند؛ چنانکه گویی از جانب خدایان گوناگون آمده اند، بلکه یا همه ی آنها با هم بیم می دهند و یا برخی از آنها به پیروی از برخی دیگر؛ مانند کسانی که خداوند درباره ی شان فرموده است: «إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ»^۴؛ «هنگامی که دو نفر را به سوی شان فرستادیم، پس آن دو را تکذیب کردند، پس با نفر سوم تقویت کردیم، پس گفتند که ما به سوی شما فرستاده شده ایم».

اما سخن خداوند که فرموده است: «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»^۵؛ «برای هر قومی هدایتگری است»، بر وجود هدایتگری جداگانه برای هر قوم دلالت ندارد؛ چراکه هرگاه برای چند قوم، یک هدایتگر وجود داشته باشد، می توان گفت که برای هر قومی هدایتگری وجود دارد؛ به این معنا که هیچ قومی بدون هدایتگر نیست؛ خصوصاً با توجه به اینکه ظاهر از «قوم» در سخن خداوند، اهل یک زمان است و با این وصف، سخن او دلیل بر آن است که هیچ زمانی خالی از هدایتگر نیست، نه اینکه اهل هر قبیله یا شهری لزوماً هدایتگری مخصوص به خود دارند؛ چراکه وجود هدایتگری مخصوص برای اهل هر قبیله یا شهر، بر خلاف حسّ و وجدان است؛ چنانکه اهل هر قبیله یا شهر در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هدایتگری مخصوص به خود نداشتند، بلکه آن حضرت هدایتگری برای همه ی قبایل و شهرها بود؛ چنانکه خداوند فرموده است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا»^۶؛ «و تو را نفرستادیم مگر مژده دهنده و بیم دهنده ای برای همه ی مردمان» و فرموده است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»^۷؛ «و تو را نفرستادیم مگر رحمتی برای جهانیان».

۱. فاطر / ۲۴

۲. مریم / ۷۴

۳. المؤمنون / ۴۴

۴. یس / ۱۴

۵. الزّعد / ۷

۶. سبأ / ۲۸

۷. الانبیاء / ۱۰۷



حاصل آنکه در هر زمانی تنها یک امام وجود دارد و دیگران از سه گروه بیرون نیستند: پیروان او، دشمنان او و مستضعفانی که او را نمی‌شناسند، ولی ممکن است که در میان پیروان او، پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحانی وجود داشته باشند، هر چند پس از محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبری وجود ندارد و از این رو، دیگر ممکن نیست که در میان پیروان امام، پیامبری وجود داشته باشد؛ مگر مسیح علیه السلام که بنا بر روایات معتبر و مشهور به دنیا رجعت می‌کند و پشت سر مهدی علیه السلام نماز می‌گزارد و او را یاری می‌فرماید^۱.



بایکة اطلاع بر سلف و رفیق منصوص هاشمی خراسانی
جنتی با بحکومت و مصلحت



۱. برای این روایات، بنگرید به: مصنف ابن ابی شیبہ، ج ۸، ص ۶۵۰ و ۶۷۹؛ مسند أحمد، ج ۲، ص ۳۳۶، ج ۳، ص ۳۶۸ و ۳۸۴؛ صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۴۳؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹۴؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۲۱۳؛ عقد الدرر فی أخبار المنتظر للمقدسی، ص ۲۲۹؛ المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث والآثار الصحیحة للبتوی، ص ۱۸۰، ۲۱۹، ۲۷۹ و ۲۸۶.